



انترناسیونال ۴۰۹

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۴ تیر ۱۳۹۰، ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

بلبشوی حکومت و خیزش مردم



درد بساطش را به جبهه مشایی و احمدی نژاد اصولگرا منتقل میکند.

صفحه ۲

طلبان کجا هستند؟ خاتمی نماینده آن بود الان دارد به خامنه ای چشمک میزند و به بقیه یاران قدیمش سرکوفت. زیرا بنظر میرسد میخواهد شانس خود را در مضحکه انتخابات آتی بیازماید. و دوم خردادیها هم او را موضوع حمله قرار داده اند. کمی از دایره حکومتی ها دور تر شوید. گنجی "اصلاح طلب"

شمشیر میکشند. (نقل به معنی) فکر میکنم امروز همه کس دارد همین واقعیت را به عیان جلوی چشم می بیند. اصولگرایان چه کسانی هستند؟ در راس آنها تا کنون خامنه ای و احمدی نژاد بودند. اما امروز در سه چهار تا سنگر جداگانه دارند به هم شلیک میکنند. اصلاح

کاظم نیکخواه

یک سال پیش در همین نشریه نوشتیم که کار نزاعهای درون حکومت به جایی رسیده که دیگر اسم بردن از جناحها "خیلی از سرشان زیادی است. آنها که امروز یک جناح بودند فردا به خون هم تشنه اند و بروی هم

بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره جار و جنجال حول "انتخابات":

انتخاب مردم سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است!

بحران جمهوری اسلامی در جریان دعوای اخیر خامنه ای و احمدی نژاد شدت بی سابقه ای یافته است. این تنها شکل معین بروز بن بست های عمیق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی است. رژیمی که به زندگی نامربوط است، در محاصره اعتراض و انقلاب مردم قرار دارد و تنها با تکیه بر چوبه دار و چماق حجاب و ترور اسلامی سرپا مانده است. اما اوضاع وخیم رژیم و دعوای درونی اخیر آن برای مردمی که تمام سال ۸۸ علیه جمهوری اسلامی در خیابان بودند و همینطور پایین کشیدن دیکتاتورها توسط انقلاب مصر و تونس را دیده اند، طبعاً فراخوانی به گسترش مبارزه به سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. درست همین وضعیت جناح مغلوب حکومت از رفسنجانی و خاتمی گرفته تا کروی و موسوی و پامنبری هایشان را به تکاپو واداشته که "راه نجات انتخابات آزاد" است. طبق معمول "بی بی سی" و صدای آمریکا و صف پاسدار - ژورنالیست های جنبش ملی اسلامی نیز برای چندمین بار به حرکت درآمده اند تا مگر جمهوری اسلامی را از زیر تیغ اعتراض رادیکال مردم به در برند.

اما مضحکه انتخابات در جمهوری اسلامی نخ نما تر و رسوا تر از آنست که این نوع تمهیدات بتواند دردی از این رژیم پوسیده و درهم ریخته دوا کند. حضرات عقل خود را از دست داده اند و مردم را نادان تصور کرده اند. به روی مبارک نمی آورند که مردم قبلا با تبدیل "انتخابات" سال ۸۸ به یک انقلاب تمام عیار برای سرنگونی جمهوری اسلامی پاسخ قاطع خود را به اینگونه تلاش ها داده اند. متوجه نیستند که این تکاپوی سراسیمه شان حول مضحکه انتخابات مجلس اسلامی و اینکه "اصلاح طلبان شرکت بکنند یا نکنند"

صفحه ۲

اژوئیه روز جهانی علیه سنگسار

روز ابراز نفرت از سنگسار در سراسر جهان

میشود. به او چند لحظه قبل گفته اند که غسل کند و آماده سنگسار شدن باشد. مریم چند سالی بود که در زندان اوین بود و با کابوس سنگسار شدن دست و پنجه نرم می کرد. سنگسار شدن دست و پنجه نرم می کرد. سنگسار شدن دست و پنجه نرم می کرد. سنگسار شدن دست و پنجه نرم می کرد.

صفحه ۱۰

مینا احدی
۱۱ ژوئیه ۲۰۰۱ زندان اوین:
مریم ایوبی برای آخرین بار آسمان مه گرفته تهران را در زندان اوین نگاه میکند و از ترس بیهوش

واقعیت دمکراسی!

حسن صالحی

تالار دوم پارلمان بریتانیا سازد، بطوریکه از سال ۲۰۱۵ حدود ۸۰ درصد اعضای این مجلس انتخابی باشند و در ضمن تعداد آنها نیز که در حال حاضر ۸۳۱ نفر است به ۳۰۰ نفر کاهش یابد. صفحه ۵

در اخبار آمده بود که دولت ائتلافی بریتانیا تصمیم دارد مجلس لردها (مجلس اعیان) را در قالب فعلی اش منحل کند و یک نهاد انتخابی را جایگزین این

نمایش انتخاباتی، اینبار در بطن انقلاب!

هادی وقفی، صفحه ۹

علیه اسلام سیاسی در هامبورگ

نازی برومند، صفحه ۶

صفحات دیگر

نامه سرگشاده مینا احدی به رسانه های فارسی زبان

صفحه ۱۲

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

صفحه ۸

یک هفته تور سخنرانی های مریم نمازی در استرالیا

صفحه ۴

زندان و دادگاه علیه فعالین کارگری

صفحه ۷

طرح ایجاد "باغشهر"، تقابلی مضحک در جنگ قدرت

بهروز مهرآبادی

آباد ها و زاغه های اطراف تهران و سایر شهرهای ایران بدون هیچ حفاظتی در مقابل سرما و گرما، بسر می برند، خواست میلیونها نفر زحمتکشانی است که بخش عمده دسترنج خود را

صفحه ۳

ویلايي با مساحت ۱۵۰ متر مربع در زمینی به مساحت ۱۰۰۰ متر با باغچه های سبزیکاری شده و درختان میوه. این بدون شک رویای هزاران هزار انسانی است که در حلیبی

بازتاب هفته

تعرض مردم مصر و عقب نشینی شورای نظامی

محمد شکوهی

ادعای نامه یگانه ۵ ساله بر علیه رژیم اسلامی

بهروز مهرآبادی

صفحات ۵-۴



بلبشوی حکومت و ...

فرخ نگهدار اصلاح طلب هم از مدتی پیش پشت سر ولی وفقیه موضع گرفته است و علیه احمدی نژاد و "باند نظامی - امنیتی که منظورش سپاه پاسداران است گارد گرفته است. اما سران شناخته شده این به اصطلاح "نظامی امنیتی" ها علیه احمدی نژاد موضع گرفته اند و حال معلوم نیست تکلیف امثال نگهدارها و سایر اکثریتی - توده ای ها چه میشود!

وقتی که به موضوعات جدال و نزاعها نگاه کنیم موضوع جالب تر است. احمدی نژاد زمانی خود را نماینده سپاه و بسیج معرفی میکرد که میخواست جلوی فساد مالی را به کسک آنها بگیرد و دزدان اموال عمومی را به سزای اعمال خود برساند و از این خزیمات، اکنون او در راس افشاگریهای مالیش "برادران قاچاقچی" را قرار داده است که منظورش گردانندگان سپاه پاسداران است. او میخواست دوم خردادیها و اصلاح طلبان را سرجای خود بنشاند. اما اکنون این خود اوست که رفته است در سنرگ مخالفت با طرح تفکیک جنسیتی و افشای بی قانونی ها، و دیگران میخوانند او را سر جای خود بنشانند. سوال اینست که چه چیز این بلبشو در صفوف حکومت را

توضیح میدهد؟ چرا هنوز یک نزاع تمام نشده، نزاع و جنگ بعدی شروع میشود؟

روشن است که در این دسته بندی ها و باند بازیها و حملات متقابل، منافع مالی و جنگ قدرت جای ویژه و مهم خود را دارد. هرکدام از جماعت حکومتی سرشان به یک مافیای دزدی و چپاول صدها میلیاردی و نهادهای قدرت بند است و جابجایی ها و تغییرات نمیتواند موازنه را به ضرر آنها به هم بزند و در نتیجه مقابل آن می ایستند و عریده کشی و رجز خوانی میکنند. همه کس میدانند که خامنه ای و خانواده اش با چه دسته ای از میلیاردرهای حکومتی وصلند. سپاه پاسداران را همه میشناسند که اکنون به بزرگترین مافیای اقتصادی تبدیل شده است. محمود احمدی نژاد هم که

از صفحه ۱

این روزها فقط نامش در کنار مشایبی برده میشود و تنها تر از بقیه بنظر میرسد، تاکنون چندین قلم عظیم از دزدیهای همکارانش از صندوق ذخیره مرکزی و بانک مرکزی و اقلام عظیمی از پولهای گم شده از فروش نفت رو شده است.

اما منافع مالی و جنگ قدرت بتنهایی توضیح دهنده کشاکشها نیست. بنظر من اساس دعوای سیاسی و مربوط به وضعیت جمهوری اسلامی است. آنچه ما همیشه تاکید کرده ایم و فکر میکنم اساس نزاعهای کنونی نیز هست این واقعیت است که جمهوری اسلامی در بن بست اقتصادی و سیاسی کامل است. هرکس که اهرم حکومت را در دست داشته باشد و بخواید آنرا از نقطه "الف" به نقطه "ب" ببرد متوجه میشود که این ماشین بدون یک سری جراحی ها و جابجایی ها و حک و اصلاح ها، از جا تکان نخواهد خورد. این حکومت اقتصادش در بن بست است. به انزوای کامل بین المللی کشیده شده است. و مهمتر از همه در داخل زیر فشار خشم و نفرت عظیم مردم قرار دارد. و این آخری مادر تمام مشکلات است. به یمن خیزش میلیونی سال ۸۸ امروز هیچکس نیست که نداند اکثریت مردم ایران از این حکومت منزجر و متنفرند و میخوانند خود را از شر این دستگاه سرکوب و جنایت و چپاول خلاص کنند. (بگذریم که هستند یکی دو محفل و جریان چپ ورشکسته ای که همین واقعیت آشکار را نیز انکار میکنند و آنها را باید "چپ رژیم" نامید)

مردم علیه تمام جناحهای حکومت

جنگی که اکنون در بالای حکومت جریان دارد، برای هیچکس قابل انتظار نبود. و اکنون توضیح علت آن به مشکلی برای بسیاری تبدیل شده است. در این زمینه ما جداگانه سخن گفته ایم. اما مستقل از اینکه انگیزه طرفین این نزاع را چه بدانیم، بهر حال این جنگ بطور جدی بالا گرفته و قابل انکار نیست. به نحوی که بسیار بعید است که آنطور

که هرکدام از سران حکومت میخوانند، احمدی نژاد بتواند تا آخر

دوره قانونی ریاست جمهوری سرکار بماند. این کشاکش هرروز حادثه و حادثه میشود و همانگونه که برخی دست اندرکاران حکومت اشاره میکنند میتواند خونین نیز بشود. تا همین جا هم به جایی رسیده است که شماری از نزدیکان احمدی نژاد را دستگیر کرده اند و حتی سخن از دستگیری کسانی مثل مشایبی و رحیمی از یاران بسیار نزدیک حلقه احمدی نژاد است. و شواهد نشان میدهد که طرف مقابل نیز بسادگی کوتاه نخواهد آمد و قصد ایستادن و جنگیدن دارد.

سناریوی این نزاع هرگونه پیش رود همچون همیشه فرجه ای ایجاد میکند که مردم سرنگونی طلب در جایی وارد شوند و علیه حکومت حرفشان را بزنند. اما این بار یک چیز بسیار متفاوت است و آن اینکه این بار بخش اعظم مردم علیه هر دو جناح حکومت یا بهتر است بگوییم علیه تمام جناحهای حکومت به میدان خواهند آمد. دوره ای که امثال خاتمی و رفسنجانی و موسوی و کروی بتوانند بخشی از مردم را به سیاهی لشکر خود تبدیل کنند سپری شده است. چه رسد به احمدی نژاد و شرکایش که سمبل شکنجه گران و جنایتکاران حکومت هستند. خیزش بعدی مردم به احتمال قوی از جایی شروع میشود که خیزش سال ۸۸ تمام شد و آن با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی است. این که خیزش بعدی در کدام پیچ بعدی آغاز شود را هیچکس نمیتواند پیش بینی کند اما آنچه میتوان با اطمینان گفت اینست که خیزش توده ای مردم علیه جمهوری اسلامی این بار خیزشی از جنس خیزش جوانان آریاشهر با شعار "حکومت اسلامی نمیخواهیم" است. بنظر من انقلاب ۸۸ کار مهمی که کرد این بود که همان حقیقتی را که ما همیشه تاکید کرده ایم به مردم نشان داد که استفاده از "چوب دستی" جناحهای حکومت زبان بار است. نشان داد که یک ذره تردید در تعرض به کل حکومت، میتواند کل تلاش و فداکاری و قهرمانی میلیونی مردم را به هدر دهد. ما همیشه تاکید کرده

انتخاب مردم سرنگونی ...

از دید مردم پنهان نمی ماند و تنها بعنوان داغ شدن زمین زیر پای جانیمان به جان هم افتاده قلمداد خواهد شد. مردم جمهوری اسلامی را سرنگون خواهند کرد و با سرنگونی این رژیم از گور برآمده نه فقط خامنه ای و احمدی نژاد و رفسنجانی و سایر سران جنایتکار جمهوری اسلامی به دادگاه سپرده خواهند شد بلکه همه شارلاتانهایی که بی شرمانه برای نجات جمهوری اسلامی به تقلا افتاده اند نیز باید برمرد پاسخگو باشند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم آزاده، همه زنان و مردان آزادیخواه در سراسر کشور و همه نیروهای سیاسی خواهان آزادی و برابری و رفاه را فرامیخواند که برای دور جلدی از اعتراض و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی مهیا شوند. آشوب درون جمهوری اسلامی و تکاپوی جناح مغلوب و امثال بی بی سی برای نجات رژیم شان تنها انعکاس وخامت اوضاع حکومت اسلامی زیر فشار اعتراض و نفرت

ایم که جمهوری اسلامی با تمام جناحها و تهادهای و دستگاه سرکوب و تحمیق و زندانهایش باید در هم شکسته شود. این کاملاً برای مردم میلیونی امکان پذیر است به شرطی که از ابتدا با همین خواست و هدف به خیابان بیایند.

در ایران یک جنگ همه جانبه با حکومت سالهاست که جریان دارد. جنبش زنان برای رهایی و در مقابله با توهین و تحقیر و پایمال شدن حقوق خود، جنبش جوانان که زندگی و شادی و کرامت میخوانند، جنبش کارگری که جوهر و لب و لیاپ آنرا بین شعار کارگران که میگویند "منزلت معیشت حق مسلم ماست" بیان میکنند، و کلا یک جنبش انسانی و بسیار وسیع و روشن علیه حکومت در جریان است. این جنبش یا این جنبش ها خواستهای روشنی دارند که در شرایط کنونی در دنیا هیچ مبارزه ای وجود ندارد که این درجه از روشنی و شفافیت و رادیکالیسم را از خود نشان دهد. اما نقطه منفی در شرایط سیاسی ایران این بوده است که مردم خود را ناچار

از صفحه ۱

مردم است و بنوبه خود فضای سیاسی را فالتز خواهد کرد و شرایط را برای گسترش اعتصابات و اعتراضات را در کارخانه ها، خیابانها، دانشگاه و ادارات مساعد خواهد کرد. راه نجات جامعه ایران حفظ و بقای جمهوری اسلامی و ماشین دولتی سرکوب و جنایت تحت عنوانی چون "انتخابات آزاد" نیست. راه نجات ایران سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی انقلاب مردم و برقرای حاکمیت مستقیم و بلافضل همه شهروندان و برای ایجاد جامعه ای آزاد، برابر، مرفه، غیر قومی غیر مذهبی، فارغ از هرگونه تبعیض است. حزب همه کارگران و مردم آزاده، همه کسانی که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی هستند را به اتحاد و گسترش مبارزه حول "منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی" فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ تیر ۱۳۹۰، ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۱

دیده اند از نیروهای رانده شده از حکومت بعنوان حائل یا "بهبانه" استفاده کنند. و همین یک عامل مهم است که باعث شده است که این نیروهای رژیم و یا طرفدار حفظ نظام اسلامی بتوانند سر بزنگاه مانع ضربه نهایی به حکومت شوند. این ضعف را باید این بار بطور قطع کنار زد. و همه چیز حکایت از این دارد که این بار این امر تاریخی انجام خواهد شد. از هم اکنون روشن است که نیروهای "مغضوب" حکومتی در تلاش جدی هستند که یک بار دیگر همان سناریوهای قبلی را تکرار کنند. اما میتوان گفت که این بار جنبش انسانی گسترده و رادیکال در ایران، طبعاً با نقش و دخالت فعال حزب کمونیست کارگری قادر خواهد بود از همان شروع، کل جمهوری اسلامی را نشانه رود و به انقلابی عظیم تبدیل شود که این بار نه فقط حکومت اسلامی را تماماً به زیر خواهد کشید، بلکه یک تحول تاریخی و انسانی را در منطقه و کل جهان کلید خواهد زد.*

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

طرح ایجاد "باغشهر"، تقلای ...

از صفحه ۱

بابت اجاره یک چهاردیواری می پردازند و یا حتی آرزوی بسیاری است که در برجهای مرتفع مسکونی ساخته شده بر روی گسل های زلزله زندگی می کنند، ساختمانهایی که حداقل اصول ایمنی در آنها رعایت نشده است. سخنرانی و قول های دو هفته قبل محمود احمدی نژاد در مورد مسکن را می توان بر مبنای آرزوی عمومی برای حق داشتن مسکن و سرپناه با شرایط انسانی دانست. اما برای رئیسی که در طول بیش از ۳۱ سال حکومت خود چیزی جز افزایش مداوم فقر و فلاکت و بیخانمانی نداشته است، این سخنان را حتی نمی توان نه فقط یک وعده انتخاباتی بلکه انکار وقیحانه شکست و فلاکت در تحقق ساده ترین و ابتدایی ترین مایحتاج مردم، دانست. اینکه جمهوری اسلامی به ۲۰ میلیون خانوار یک قطعه زمین ۱۰۰۰ متری بدهد تا هر خانواده در زمین خود در سه طبقه ۱۵۰ متر محل مسکونی بسازد و در بقیه آن باغچه سبزیکاری باغ میوه ایجاد کند، آنگاه گراف و غیر معقول است که موضوع دیگری برای مسخره کردن رژیم و ساختن جوک برای آن شده است. ارائه این طرح را نمی توان نه فقط از سر بلاغت و جهالت دانست، بلکه نمایش دیگری از وقاحت و بیشرمی اسلامی است.

احمدی نژاد این پروژه را بعد از طرح "مسکن مهر" دومین پیشنهاد جدی و مهم برای حل معضل مسکن دانست. اما اینکه امروز این طرح با ابعاد بسیار رویایی تر از جانب احمدی نژاد پیش کشیده میشود هم قرار است طرح قبلی لاپوشانی شود و هم مهمتر اینکه در رقابت و جنگ قدرت در بالای حکومت جناب احمدی نژاد میخواهد جناح خامنه ای را مسبب شکست و بی مسکنی اکثریت مردم معرفی کند. این یعنی تلاش برای بازی کردن با کارت مردم علیه جناح رقیب. طرح "مسکن مهر" با هدف "واگذاری حق بهره برداری از زمین برای ساخت مسکن کوچک با متوسط زیربنای هر واحد تقریباً ۷۵ متر مربع و با هدف کاهش و حذف هزینه زمین از قیمت تمام شده ساختمان برای انطباق با توان مالی خانواده های کم درآمد و میان درآمد" در اوایل دوره قبل حکومت احمدی نژاد آغاز شد. متقاضیان

مسکن که اعضای تعاونی های مسکن هستند، باید در ابتدا مبلغ یک میلیون تومان بپردازند و بانک ها حداکثر تا

ایجاد بیست میلیون خانه ۱۰۰۰ متری با بیش از ۱۰۰ متر زیر بنا است. با یک محاسبه سرانگشتی می توان دریافت برای اجرای چنین طرحی برای دو میلیون خانوار ۲۰۰۰ کیلومتر مربع زمین لازم است. و حداقل به همان اندازه برای خیابانها و سایر خدمات شهری باید زمین در نظر گرفته شود. اجرای این طرح در تهران که بیش از دو میلیون خانواده در آن ساکن هستند، حداقل به ۴۰۰۰ هزار کیلومتر مربع زمین نیاز دارد یعنی مساحتی بیش از پنج و نیم برابر مساحت فعلی شهر تهران! ناتوانی رژیم در تامین مسائل و نیازهای شهری از جمله آب، برق، شبکه فاضلاب، شبکه ترافیک و حمل و نقل عمومی، مدارس، درمانگاه و بیمارستان غیر ممکن بودن چنین طرحی توسط جمهوری اسلامی را به هرکسی نشان میدهد. مالکیت زمین خود مانع دیگر اجرای چنین طرحهایی در هر رژیم سرمایه داری و از جمله جمهوری اسلامی است. ارائه این طرح اختلافات عمیق بین باند های حکومتی را بار دیگر نشان داد. خامنه ای از ارائه چنین طرح ابراز نگرانی کرد و گفت که قبلاً به احمدی نژاد در این مورد هشدار داده است. اما فرمایشات رهبر حتی برای رئیس جمهور برگمارده اش هم اعتباری ندارد. شهردار تهران اعلام کرده است که "حريم تهران را به طرح ۱۰۰۰ متر زمین نمی دهیم" و محمد حسین مقیمی رئیس کمیسیون شهری مجلس اسلامی گفته است: "آنگاه زمین وجود ندارد مگر اینکه قرار باشد دشت لوت را به مردم واگذار کنیم. گذشته از همه اینها بالا رفتن مداوم قیمت مسکن و اجاره ها در شهرهای مختلف ایران بهترین گویای شکست طرح های جمهوری اسلامی و عدم باور مردم به آن ها است.

طرح ایجاد باغ شهرها یک قرن پیش توسط یک شهرساز انگلیسی برای ارائه شد. اما خیلی زود ناتوانی این طرح برای رفع بحران مسکن در آن دوره مشخص شد. شتاب پراهنگ صنعت، افزایش سریع جمعیت شهرها، بوجود آمدن قطب های بزرگ و متمرکز صنعتی، این طرح را با شکست روبرو کرد. در مناطق کم جمعیت نظیر کشورهای اسکانديناي و يا در سرزمین های پهناوری نظیر استرالیا هم نظیر چنین طرح هایی نتوانست موفق باشد. تراکم ساختمان های گران قیمت در مناطق تجاری و مرکزی شهرها از یک سو و ساختمان های ارزان

قیمت برای طبقات پائین در حاشیه شهرها و نزدیکی مراکز صنعتی، یک خصوصیت بارز این شهرها است. خانه های ویلایی با زیربنای کافی و فضای سبز فقط در اختیار قشر معدودی قرار دارد و دسترسی به آن برای اکثریت مردم امکان پذیر نیست.

بافت شهرسازی و وضعیت مسکن تابع مستقیم ساختار اقتصادی و سیاسی هر جامعه است. در نظام سرمایه داری مسکن نیز مانند هر نیاز اولیه انسان در اختیار و کنترل بازار است. ایجاد مسکن بخاطر آسایش، رفاه و امنیت افراد جامعه نیست بلکه در درجه اول بخاطر برآوردن نیاز های سرمایه داری و بخاطر کسب سود هر چه بیشتر است. بورس بازی زمین و مسکن و کسب سود های هنگفت در این زمینه هر چند یک خصیصه عادی این نظام است اما در کشورهایی نظیر ایران که اقتصاد آن متکی به تولید ارزان نفت و مواد خام است، گرایش تقدینگی به این جهت بسیار بیشتر است. رشد سرسام آور قیمت مسکن در ایران در نیم قرن اخیر این گرایش فزاینده را نشان می دهد. کمبود مسکن و مشکلات شهری بصورت امر ذاتی جوامع تحت سلطه سرمایه داری در آمده است. حل این معضلات نه تنها از سرمایه داری ورشکسته و عقب افتاده اسلامی بلکه از نظام های پیشرفته سرمایه داری هم ساخته نیست. دهها سال است که شهرهای بزرگ دچار بحران های مختلف در زمینه تامین مسکن، تامین آب آشامیدنی، تامین سوخت، ترافیک، سیستم فاضلاب، سیستم حمل و نقل شهری، آلودگی هوا، جمع آوری زباله، ارائه خدمات اجتماعی از قبیل بهداشت، درمان و آموزش و ... هستند. ارائه صدها طرح مختلف در چهارچوب قواعد و قراردادهای سرمایه دارانه نتوانسته این بحران ها را برطرف کند.

بحران مسکن و شهرسازی در ایران ویژگی های سلطه حکومت اسلامی را هم بر خود دارد. بخش بزرگی از زمین های کشور در اختیار نهاد هایی نظیر آستان قدس است. دولت بزرگترین

مالک زمین است و کشمکش های دائمی بین باندهای مختلف رژیم بر سر تصرف این زمین ها جریان داشته است. بخش بزرگی از جنگل ها و منابع طبیعی بخاطر تصرف زمین آن ها از بین رفته است. بورس بازی و بالا بردن قیمت زمین ها یک هدف اصلی طراحی پروژه های دولتی و ایجاد مراکز از قبیل دانشگاهها، ادارات و بیمارستان ها بوده است. در نظر نگرفتن ضوابط و استانداردهای لازم برای ایمنی ساختمان ها و وجود فساد گسترده در بخش نظارت و اجرای طرح های ساختمانی جان میلیونها نفر را در معرض خطر قرار داده است. نبود سیستم حمل و نقل شهری مناسب، ترافیک فشرده و نبودن ضابطه ایمنی برای سوخت مراکز صنعتی، هوای تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ را مسموم کرده است. رشوه خواری و نبود هر گونه کنترل بر فاضلاب صنعتی، سطح بزرگی از زمین ها و منابع تامین آب را برای ساکنین اطراف این مراکز خطرناک کرده است. قوانین ارتجاعی اسلامی حتی در ابتدائی ترین و خصوصی ترین سلیقه افراد برای ساختن محل مسکونی مردم، دخالت می کند هفته گذشته وزیر راه و شهر سازی رژیم اعتراض "مراجع و روحانیون به ساخت آشپزخانه های اوپن در پروژه های دولتی" را مطرح و به رعایت موازین اسلامی در ساخت مسکن تاکید نمود.

حل قطعی مسئله مسکن و مشکلات شهری فقط در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه سوسیالیستی است. بدون دگرگونی در اقتصاد و سیاست حاکم بر جامعه نمی شود انتظار بهبودی جدی در این زمینه ها داشت. عوارض فجایع سرمایه داری اسلامی در این زمینه برای سالها باقی خواهد ماند، اما معیار قرار دادن حق همه تک تک افراد برای داشتن مسکن مناسب و اهمیت دادن به رفاه، آسایش و امنیت شهروندان در بازسازی شهرها و ساختن شهرهای جدید می تواند آثار توحشی را که تاکنون بر جامعه ایران مسلط بوده از بین ببرد.*



بازتاب هفته

تعرض مردم مصر و عقب نشینی شورای نظامی



محمد شکوهی

که "مانع از اقداماتی شوند که بازگشت کشور به ثبات و آرامش را ناممکن می‌سازد". دولت نظامیان در توجیه سیاست خود اعلام کرده که این پاسخی به محاصره یکی از بزرگترین ساختمان‌های دولتی توسط تظاهرکنندگان در قاهره و تهدید آنان به تبدیل اعتراض‌های نشسته به راهپیمایی‌های اعتراضی و گسترش آنها به نقاط دیگر می‌باشد.

در واکنش به برخوردها و تهدیدهای دولت نظامیان احزاب و جریان‌های سیاسی، بویژه "جنبش جوانان ۶ آوریل" واکنش‌های نظامیان را پوچ دانسته و خواهان ادامه اعتراضات و بازگشت دوباره به میدان تحریر شدند. مردم ضمن استقبال از فراخوان گسترش اعتراضات از اواخر هفته گذشته دوباره به میدان تحریر برگشته و با برپایی چادر و اجرای برنامه‌های متنوع در دفاع از انقلاب ناتمام، یک بار دیگر صحنه‌های پرشور روزهای انقلاب فوریه را در مصر خلق کردند. خبرگزاری‌های جهانی و حتی رسانه‌هایی که معمولاً از ادامه اعتراضات مردم نگران هستند و آنرا سانسور میکنند ناچار شدند اخبار و گزارشات را هر چند محدود به جهان مخابره نمایند. در هفته‌ای که گذشت یک بار دیگر مردم و جوانان انقلابی بر این نکته تأکید گذاشتند که انقلاب ناتمام مانده و دولت نظامیان نه می‌خواهد و نه می‌تواند زندگی بهتری برای مردم وعده دهد. چاره کار فقط ماندن در خیابان، ادامه انقلاب تا رسیدن به خواسته‌های واقعی مردم می‌باشد.

بازگشت دوباره انقلاب به میدان تحریر سرنوشت رژیم مبارک را در برابرچشم‌انداز دولت نظامیان و سرکوبگران مردم قرار داد. بدنبال فشار مردم، شورای نظامی حاکم روز پنجشنبه اعلام کرد که در حدود ۷۰۰ مأمور پلیس که در سرکوب مردم دست داشته‌اند، از کار اخراج شده‌اند و حداقل ۳۷ نفر آنها محاکمه خواهند شد. در عین حال اعلام گردید که انتخابات بعدی بر اساس قوای که قبلاً داده شده بود در ماه سپتامبر برگزار نشده و یک یا دو ماه به تعویق خواهد افتاد. آنچه روشن است اکثریت مردم مصر به سرنوشتی مبارک رضایت نداده و خواهان آزادی

واقعی و دخالت در سرنوشتشان هستند. فضای انقلابی به نظامیان اجازه نمیدهد که همچون گذشته دست به سرکوب و جنایت بزنند.*

جنایات کهریزک دو ساله شد

دو سال پیش در اوج برآمد انقلابی مردم که جمهوری اسلامی را زیر ضرب گرفته بود، جانبان اسلامی به دستور دادستان وقت تهران، سعید مرتضوی دستگیر شدگان اعتراضات را به بازداشتگاه مخوف وزارت اطلاعات و سپاه در کهریزک منتقل کردند. از اوایل تیرماه که دستگیریه‌ها ادامه داشت، فرماندهان نیروی انتظامی از زرادان و احمدی مقدم گرفته تا مسئولان دادستانی تهران در بازداشتگاه مخوف کهریزک "شعبه ویژه" به شکنجه و تجاوز دستگیر شدگان مشغول شدند و جنایاتی مرتکب شدند که قابل توصیف نیست و هنوز همه ابعاد آن افشا نشده است. دهها نفر به نحو کاملاً وحشیانه‌ای مورد تجاوز قرار گرفتند و زیر شکنجه کشته شدند. وجود فرزندان بعضی از نزدیکان خامنه‌ای و وابستگان رژیم در افشای وجود چنین شکنجه‌گامی و جنایاتی که در آن انجام می‌شود، موثر بود. در اواخر خرداد سال ۸۸ برای اولین بار نام بازداشتگاه کهریزک علنی شد. با درج اخبار جنایات و وحشیگریهای جانبان اسلامی، و با استقامت و مبارزه بی‌امان خانواده‌های بازداشت شدگان کهریزک، جمهوری اسلامی که سرانش ابتدا کلا جنایات کهریزک را انکار میکردند، مجبور شد به دستور خامنه‌ای این زندان مخوف را تعطیل کرده و دستگیرشدگان را به زندانهای دیگر منتقل نمایند.

ابعاد وحشیگریهای حکومت موجی از اعتراض و ابزار انزجار در داخل و در خارج کشور بر علیه رژیم به راه انداخت. جمهوری اسلامی مجبور شد دادگاه فرمایشی برای متهمان جنایات کهریزک را برپا نماید و ۱۲ نفر را بعد از چند ماه دستگیر و محاکمه کردند. بعد اعلام شد که این پرونده احتیاج به زمان و تحقیق بیشتر دارد. اواخر سال ۸۸ رامین پور اندرجانی پزشک وظیفه که در زمان دستگیریها و انتقال دستگیرشدگان به کهریزک آنجا کار می‌کرد، دست به افشایگری بر علیه مسئولان نیروی انتظامی و شیوه‌های

اذیت و آزار و شکنجه‌های رایج در کهریزک زده و به این ترتیب موضوع جنایات رژیم بیشتر و بیشتر بر ملا گردید. پور اندرجانی اعلام کرده بود که اگر دادگاه متهمان جنایات کهریزک برگزار شود، حاضر است به عنوان شاهد در دادگاه حضور یابد. رامین دستگیر و شکنجه شد و رژیم با صدور اطلاعیه‌ای از طرف بهداری کهریزک و دادستانی اعلام کرد که رامین در اثر حمله قلبی درگذشته است. جمهوری اسلامی تمام امکانات و شگردهایش را برای لاپوشانی کردن جنایات خود در کهریزک، عاملان اصلی این جنایات و خرید وقت به کار گرفت. رژیم در اثر فشار افکار عمومی مجبور شد کمیسیون ویژه تحقیق مجلس را برای تهیه گزارش از کهریزک به جریان بیندازد. اوایل سال ۸۹ دادستانی تهران اعلام کرد که دوباره پرونده کهریزک بازمی‌شود و نتیجه تحقیقات و تاریخ محاکمه متهمان اعلام خواهد شد. این گزارش در جلسات غیر علنی مجلس خوانده شد اما مجلس با انتشار علنی گزارش کمیسیون تحقیق مخالفت کرد ولی بخش‌هایی از این گزارش به بیرون درز کرد و انتشار یافت. این گزارش سعید مرتضوی دادستان عمومی وقت تهران را مسئول پرونده جنایات کهریزک اعلام کرد. همچنین اعلام کرد که ۹ نفر دیگر متهم شده‌اند. با اعلام این خبر جمهوری اسلامی رسماً مجبور شد اعتراف بکند که مقامات قضایی کهریزک را برپا داشته‌اند. این موضوع تبدیل به یک افتضاح سیاسی برای کل حکومت شد و برای اولین بار خود حکومت اعلام کرد که مرتکب جنایت

شده و در نظر دارد متهمان را خودش محاکمه نماید. این دادگاه در واقع محاکمه جمهوری اسلامی توسط خود بود.

دوباره پرونده به جریان افتاد. اواسط تابستان سال گذشته رژیم اعلام کرد که حکم نهایی پرونده متهمان کهریزک صادر شده است. بر اساس این حکم ۱۳ نفر محاکمه شده‌اند که به محکومیت‌های زندان و جریمه و اعدام محکوم شدند. سعید مرتضوی از دادستانی برکنار شده و در دولت احمدی نژاد مسئول مبارزه با قاچاق کالا شد. جمهوری اسلامی تلاش می‌کند با انواع و اقسام حیل و نیرنگ پرونده را مختومه اعلام نماید. عاملان اصلی جنایت کهریزک نظیر مرتضوی در "حاشیه امن" قرار گرفته و حتی پاداش گرفتند اما "کهریزک" بعنوان نشانه جمهوری اسلامی به جهانیان معرفی شد. رژیم ناچار شد به جنایات خود در این محل اعتراف کند. این زندان یکی از صدها شکنجه‌گاههای مخوف جمهوری اسلامی است. تعداد زیادی کهریزک ناشناخته در شهرهای مختلف کشور توسط ارگانهای مختلف سرکوب اسلامی برپا شده و شبانه روز کار می‌کنند. پرونده کهریزک و پرونده بیش از سه دهه جنایت و شکنجه و اعدام جمهوری اسلامی هنوز باز است. خامنه‌ای، احمدی نژاد و تمام سران و دست‌اندرکاران رژیم باید منتظر قرار گرفتن در مقابل دادگاه و پاسخگویی به جنایات خود باشند.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

اساس سوسیالیسم انسان است!



نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی و پایمال شدن حقوق کودکان توسط رژیم را اعلام می کند و هیچ حقوقدان برجسته ای نمی تواند همچون او سند توحش و غارتگری جمهوری اسلامی را در مقابل چشم مردم دنیا بگذارد.

مردم اسپانیا در ماه مه امسال و منجمله در کمپ میدان خورشید مادرید و یا در باستیل فرانسه دیدیم. در اواخر ماه مه امسال در فرانسه مردم با شعار "آنها ثروت کشور را در اختیار گرفته اند، ما هم خیابان ها را تصرف می کنیم" و "اگر شما از رویاهای ما جلوگیری کنید، ما هم خواب را بر شما حرام خواهیم کرد" میدان باستیل پاریس را تصرف کردند. باستیل الگوی خود را کمون پاریس قرار داد و نطفه های حکومت دیگری را در خیابان به نمایش گذاشت. مردم در باستیل مجمع عمومی میدان باستیل را برپا کردند و هر کس که به این اعتراض می پیوست بطور اتوماتیک عضو مجمع عمومی می شد. برای پیشبرد امور با رای و دخالت مستقیم مجمع عمومی، کمیسیونهایی نظیر بین المللی، کمیسیون خودسازماندهی، کمیسیون فرانسه، کمیسیون تدارکات و کمیسیون های دیگری تشکیل شد. چنین جنبشهایی در قلب اروپا کل نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه داری را هدف گرفته است و در مقابل دمکراسی پارلمانی، آزادی واقعی و اختیار کامل انسان بر سرنوشت خود را بشارت میدهد. شیخ کمون پاریس در اروپا و در همه جهان در گشت و گذار است، شبی که نه تنها مجلس "از ما بهتران" اعیان انگلیس را بلکه کل بساط ذلت آور و تباه کننده سرمایه داران را را روانه زیاله دان تاریخ خواهد کرد و فردای بهتری را برای جوامع بشری به ارمغان خواهد آورد.*

اهمیتی ندارد، از اینرو است که در پایان گزارش خود می نویسد: تلفن تماس و آدرس محل سکونت پدر یگانه در روزنامه دنیای اقتصاد موجود است و بدون شک انسانهای شریفی به کمک یگانه و پدرش رفته اند و دسترنج ناچیز خود را با آنها تقسیم کرده اند. اما سخنان یگانه ۵ ساله ادعای نامه ای بر علیه جمهوری اسلامی و بر علیه سرمایه داری است. یگانه زبان پدر بیمارش و هزاران کارگری است که از هر گونه تامین اجتماعی محرومند. او زبان هزاران کودکی است که کودکی آنها در کارگاهها، در مزارع، به دستفروشی در کنار خیابانها، پاک کردن شیشه ماشین ها در سر چهار راه و یا گدایی بر سر معابر، دزدیده می شود. یگانه ۵ ساله بار دیگر

مورد تعرضی بیرحمانه قرار داده و جنبشهای اجتماعی وسیع برای مقابله با این تعرضات در جریان است، طرح اصلاحات پیشنهادی دولت بریتانیا برای تغییر مجلس اعیان قابل فهم است. هر مظهر و نهاد زمخت سرمایه داری که فاصله طبقاتی در جامعه را عریانتر می سازد باید قدری تعدیل شود تا خشم مردم را شعله ور نکند. این لاقفل یکی از دلایل می تواند باشد. ولی مسئله فقط برسر مجلس اعیان نیست. امروز نظام پارلمانی و همه دمکراسی مورد نقد مردم و جنبش های پیشرو اجتماعی در اروپا قرار دارد، ولو آنکه نمایندگان مجالس با رای مردم انتخاب می شوند! مردم دارند به عینه در زندگی اجتماعی خود می بینند که دمکراسی و نظام پارلمانی بیشتر از آنکه نظر و رای آنها را منعکس کند و به مورد اجرا بگذارد، روشی است برای احزاب سرمایه داری که قدرت را در بین خود تقسیم کنند. روشی که نهایتاً حکومت سود و ثروت و سرمایه را مشروع جلوه می دهد. چرا که مردم دیده اند از فردای هر انتخاب پارلمانی، این به اصطلاح نمایندگان مردم کاری جز تصمیم گیری علیه رفاه و آسایش مردم ندارند. آنها تصمیماتی اتخاذ می کنند که نه نظر مردم را برسیده اند و نه مورد قبول مردم است. بازتاب این بی اعتباری و سترونی دمکراسی و نظام پارلمانی را در جنبشهایی می بینیم که بر اراده و اختیار مستقیم مردم بر سرنوشت خویش تاکید دارد. بارقه های این جنبش را در اعتراضات

دور است و یخچال و تلویزیون و تلفن ندارد. یگانه چند روز پیش بخاطر گرد و خاک ناشی از گچ و سیمان مریض شده و یک شب تمام تب کرده است. داغ سیمان و گچ تا آخر عمر بر ریه های کوچک و زندگی او نقش خواهد بست. خبرنگار در خواست او را از مسئولان می پرسد و یگانه توضیح می دهد: "پدرم نمی تواند کار کند، اما اگر کار نکنند پول نداریم. هیچ کس کمکمان نمی کند. پدرم می گوید اگر سرایدار یک ساختمان شود زندگی مان خوب می شود." و این منتهای آرزوی یگانه ۵ ساله است. شاید خبرنگار هم می داند که در حکومت اسلامی "مسئولانی" وجود ندارند. برای جنایتکارانی که در فکر پر کردن جیب های گشاد هستند، زندگی یگانه ها

شرکت می کنند و برای بقیه که عمدتاً پیر و بیمار هستند این ماموریت بیشتر جنبه تفریحی دارد. روزنامه "آیندپسند" اخیراً در گزارشی نوشته بود که برای بسیاری از لردها مجلس اعیان یک کلوب تفریحی بحث در مرکز لندن بحساب می آید که عضویت در آن پارکینگ مجانی، تلفن مجانی، دسترسی به یک کتابخانه بزرگ و مجهز و امکان رفتن به بارها و رستورانهای لوکس با تخفیف قیمت را برای اعضایش به ارمغان می آورد. البته این روزنامه تمام پولها و مزایایی که نصیب لردها می شود را ذکر نکرده و فقط بخشی از آنها را بر شمرده است. این ها نمایندگان انگل طبقه مفتخور سرمایه دار هستند که اساساً از قبل کار و زحمت مردم شریف ارتزاق می کنند. حاضرند خون همان مردم شریف را در رودخانه تیمز لندن جاری کنند تا موقعیت ممتازشان را از گزند هرگونه تغییر "نامطلوب" محافظت کنند. کسانی که خرجشان را تا پایان عمر جامعه به دوش می کشد، کارشان کمک به تصویب قوانینی علیه کارگران، بازنشستگان، بیماران، دانشجویان و غیره است که منجر به تباهی زندگی انسانها می گردد. مجلس لردهای انگلیس بطور زمختی وارونگی جامعه سرمایه داری را به نمایش می گذارد. آنها که کار می کنند هیچ کاره اند و عده ای مفتخور و انگل و بیکار همه کاره و صاحب قدرت. در شرایطی که در بریتانیا و یونان و اسپانیا و جاهای دیگر سرمایه داری کار و معیشت مردم را

بازتاب هفته

ادعای نامه یگانه ۵ ساله بر علیه رژیم اسلامی



بهروز مهر آبادی

روزنامه دنیای اقتصاد در ۱۵ تیر گزارش کوتاهی از دختر بچه ۵ ساله ای داد که در تهران در کنار پدرش به کار ساختمانی مشغول است. پدر کارگر ساختمانی و تنها سرپرست یگانه است. در منطقه مازانز اتاقی به مبلغ ۱۰۰ هزار

واقعیت دمکراسی ...



حسن صالحی

مجلس لردها بخشی از نظام پارلمانی بریتانیاست که همچون نهاد سلطنت، میراث نظام فئودالی و اشرافی سابق است. دوره ای که طی آن مردم حق انتخاب و رای نداشتند و تنها شماری از "ماهبتران" یا همان اشراف سرخ همه چیز را در دست داشتند. انقلابات بورژوا دمکراتیک در اروپا در سده های پیشین بساط قدرت مطلقه سلطنت و اشراف را جارو کرد و فاکتور "عوام" و رای و انتخاب مردم عادی را وارد فرهنگ سیاسی جوامع بشری نمود. به هر میزان این انقلابات پیگیرانه به وقوع پیوستند میراث جامعه کهن نظیر نهاد سلطنت و تالارهای تصمیم گیری اشراف از جامعه رخت بریستند و ساختارهای نوین حاکمیت شکل گرفتند. ولی هر جا این انقلابات بطور ناقص صورت گرفتند نشانه های سازش با نظام های سابق را از خود بر جای گذاشتند که نهاد سلطنت و مجلس اعیان در انگلیس یکی از آنهاست. تا آنجا که به مسئله مجلس لردها در بریتانیا مربوط می شود، باید خاطر نشان کرد که این البته اولین باری نیست که تلاشهایی برای اصلاح نظام پارلمانی بریتانیا صورت می گیرد. اما تاکنون هر بار این

تومان در ماه اجاره کرده و روزانه ۶ ساعت در راه رفت و برگشت به محل کار خود است. یگانه بجای رفتن به کودکستان و بازی با سایر کودکان، کیسه های مصالح ساختمانی را جایجا می کند و یا به پای پدر کار می کند. یگانه می گوید: "پدرم مریض است و پول نداریم. من هر روز با او می آیم که در خانه تنها نباشم. پدرم پایش درد می کند. هر وقت کیسه های سیمان را بلند می کند اذیت می شود و شب ها از شدت درد خوابش نمی برد. من زور ندارم، اما کمکش می کنم که کمتر اذیت شود. یگانه می گوید که مادرش مرده است، خاله و عمه هم ندارد. خانه شان

تلاشها نافرجام مانده است. دلیل این امر امتیازات ویژه و منحصر به فرد لردها است. چندی پیش یکی از لردها بنام آرمسترانگ گفت چنانچه مجلس لردها بخواهد به نهادی انتخابی تبدیل شود "در رودخانه تیمز لندن خون راه خواهد افتاد!" منظور او سرسختی لردها در دفاع از موقعیت ممتاز خود در جامعه بود. مجلس لردها ترکیبی از افرادی است که غالباً بیش از ۷۰ سال عمر دارند و از جانب نخست وزیر بعنوان لرد برگزیده می شوند. این جمع که در بریتانیا بعنوان کلوب عجیب و غریب بحث سیاستمداران شناخته می شود مرکب از نزدیکان و هم حزبی های نخست وزیر، صاحبان کمپانی ها، سرمایه داران، ژنرال های سابق و کسانی است که گفته می شود برای "مام وطن" تلاش ورزیده اند. لرد لقبی مادالعمر است و در میان اعضای این مجلس هنوز هستند کسانی که این لقب را به ارث می برند. جالب اینجاست که نخست وزیر کنونی بریتانیا، دیوید کامرون، که دولت ائتلافی اش اصلاحات تازه را پیشنهاد کرده است، خود رکورد شکسته و ۱۱۷ نفر را بعنوان لرد منصوب کرده است! و اما کار مجلس لردها این است که به بررسی و بازنگری قوانینی پردازد که در مجلس عوام (تالار اول) به تصویب رسیده و چنانچه نیازی به تغییر باشد این تغییرات را به مجلس عوام ارائه دهد.

از ۸۳۱ نفر اعضای کنونی مجلس لردها که تعدادش رو به افزایش است تنها نیمی در بحث ها

علیه اسلام سیاسی در هامبورگ

نازی برومند

هنوز خبری نبود. البته تعداد تظاهرات کنندگان بعدا بیشتر شد. آنجا ایستادیم تا کمی فضا و جو دستمان بیاید. تعدادی که یا اتفاقی از آنجا رد میشدند و یا برای تماشا و از روی کنجکاوی به آنجا آمده بودند با صدای بلند که اطرافیان شان هم بشنوند تنفر و مخالفت خودشان را با این نمایش اسلامیستها در هامبورگ بیان میکردند. جو کمی مشتعل بود. یک مقدار به این دلیل جو مشتعل بود که جریانات مختلف آلمانی و غیر آلمانی از مدتی قبل مخالفت خود را با حضور اسلامیستها در مرکز شهر هامبورگ اعلام کرده بودند. از جمله ما نیز به عنوان اعضای سازمان اکس - مسلم با دادن يك اطلاعیه مطبوعاتی مخالفت شدید خود را به حضور جریانات مرتجع اسلامی در هامبورگ اعلام کردیم.

در رسانه‌های دولتی و غیر دولتی بحثهایی به طرفداری و علیه برگزاری این تجمع در جریان بود. خیلی‌ها امیدوار بودند که پلیس و شهرداری آلمان از دادن اجازه به آنها خودداری کند. سلفیستها مدتیست که تحت نظارت پلیس امنیتی آلمان قرار دارند. در ماه فوریه در فرودگاه فرانکفورت ۲ سرباز آمریکایی به دست اعضای این جریان ترور شدند و همین ۳ هفته پیش زیرزمین یک خانه در یک شهر آلمان که مرکز فعالیت سلفیستهاست به آتش کشیده شد. با این وجود دولت آلمان فعالیت این سکت ضد انسانی را هنوز ممنوع نکرده است. بعد از مدتی من و دوستانم راهی محلی شدیم که مخالفین سلفیستها را رسماً اعلام تظاهرات کرده بودند.

پلیس گارد ضد شورش همهجا در آن منطقه دیده میشد و تا چشم کار میکرد پلیس در خیابانهای اطراف هم پر بود. ما بلاخره بعد از گذشتن از هفت خوان رستم توانستیم خودمان را به محل تظاهرات مخالفین برسانیم. تعدادی آنجا ایستاده بودند و هنوز تظاهرات آنها نیز شروع نشده بود.

من اول مشغول پخش اعلامیه شدم و بلافاصله با دین لبخندی به روی لبها با شنیدن تشکر و اینکه ما هم با این حرفها موافقم روبرو شدم.

آنزمان که ایران را ترک کردم میدانستم که لااقل در خارج از ایران امکان مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی را بدون ترس از پاسدار و تهدید و زندان را خواهم داشت. اما چیزی که خوابش را هم نمی دیدم این بود که در خارج از ایران نه تنها باید برای براندازی رژیم ضد انسانی اسلامی مبارزه کنیم بلکه باید با توحش اسلام سیاسی را در اروپا با پیاده کردن قوانین شریعه گسترش دهند دست به گریبان شویم.

شنبه گذشته ۹ ژوئیه مصادف با ۱۸ تیر در شهر هامبورگ روزی بود که باید علیه دو جبهه تلاش میکردیم. در آن روز دو تظاهرات که مضمون با هم تفاوت داشتند اما نهایتاً يك هدف را دنبال میکردند برگزار شد. بعد از ظهر روز شنبه به فراخوان چند نهاد ایرانی در هامبورگ به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر تظاهراتی برگزار شد. این تظاهرات در مخالفت و اعتراض به حکومت اسلامی در ایران بود و سخنرانان هر کدام از زویه یی با تشریح تاریخچه ۱۸ تیر، جنایات رژیم را به زبان آلمانی افشا کردند و از مبارزات مردم بخصوص از سال ۲۰۰۹ که مستقیماً برای سرنگونی جمهوری اسلامی انجام میگردد حمایت خودشان را اعلام کردند. دو ساعت بعد حدود ۳ کیلومتر آنطرفتر در کنار پارک معروفی در مرکز شهر هامبورگ سردمدار جریان متعصب اسلامی به نام "سلفیست salafist" که از سنگسار و دست بردن و قوانین شریعه دفاع میکند، اعلام کرده بود که سخنرانی خواهد کرد و از همه طرفداران و اعضای خواسته بود که آن روز به آنجا بیایند. من و تعدادی از دوستانم نیز که از مدتی قبل از این برنامه مطلع شده بودیم بعد از اتمام تظاهرات اول به آنجا رفتیم. به محل که رسیدیم تقریباً ساعت ۶ عصر بود و تعدادی بیش از ۱۰۰ نفر آنجا جمع شده بودند اما از پیر فوگل سردمدار سلفیست ها، شخصی که چندین سال است به اسلام گرویده و حالا مروج اسلام سیاسی و قوانین شریعه در آلمان و خارج از آلمان است

ما پارچه سرخی با شعار "نه به اسلام سیاسی، نه به رایسیسم" همراه داشتیم و جلوی صف تظاهرات باز کردیم. حضور ما در آن تظاهرات دلگرمی بود برای دیگران. اکثر تظاهر کنندگان آلمانی بودند و خوشحال بودند که غیر آلمانی‌هایی که مخالف پیاده شدن قوانین شریعه و اسلام سیاسی هستند. را در صف این تظاهرات می بینند. من پارچه دیگری که شعار مرگ بر جمهوری اسلامی روی آن بود را نیز باز کردم. این پارچه را در واقع برای تظاهرات قبلی با خودم همراه برده بودم!

در آن لحظه بود که با خودم فکر کردم عجب دنیای وارونه ای شده. مردم در ایران که ۳۳ سال است زیر حفاق رژیم اسلامی سرکوب میشوند در حال سرنگون کردن نه تنها این رژیم بلکه از ریشه خلاص کردن جامعه از خرافات مذهب اسلام و خواهان یک سیستم سکولار هستند و اینجا در قلب "دمکراسی" اروپایی از یکی از مدرنترین کشورهای دنیا باید شاهد سر بلند کردن مدافعین توحش و سنگسار و قطع دست و کلا پیاده کردن قوانین عقب مانده شریعه و تحقیر زنان و مردم تحت عنوان "آزادی مذهب" باشیم. پنداری که تا به حال مذهب در اینجا ممنوع بوده. این را هم مدیون سیاستهای دولتهای غربی هستیم که با علم "نسبیت فرهنگی" سالهاست به این جور فرقه‌های کوچک و بزرگ اسلامی در غرب آوانس میدهند تا بتوانند در کشورهای اسلام زده هژمونی سیاسی و نهایتاً بهره برداری اقتصادی خود را ببرند.

آقای پیر فوگل یا ابو حمزه رهبر این سکت اسلامی اجازه دارد مثل يك ستاره مذهبی در قلب اروپا تبلیغ پیاده کردن حکم سنگسار و قطع کردن دست و غیره را برای مسلمانان ساکن این کشورها بکند و از آن طرف دولت آلمان نیز پشت پرده با سران رژیم در ایران و سوریه و لیبی نشست دارد و در مورد سرنواشت مردم و سهم دولت آلمان در آینده این کشورها تصمیم میگیرند. تاسف آور تر در این ماجرا این بود که حتا تعدادی از سازمانهای به اصطلاح "چپ" نیز زیر پرچم نسبیت فرهنگی در این مورد نه تنها سکوت کردند بلکه تعدادی از آنها به طرفداری از تظاهرات اسلامیستها پرداختند. من در سخنرانی که آن روز در تظاهرات کردم به این نکات اشاره

تظاهرات علیه اسلام سیاسی در هامبورگ، ۹ ژوئیه گذشته



حزب کمونیست کارگری ایران میشوند، از زبان مینا احدی در آلمان بنیانگذار سازمان اکس مسلم و مریم نمازی بنیانگذار کمپین يك قانون برای همه میشوند. پرچم انسانیت را باید همه جا از ایران تا سوریه و یمن تا لندن و آلمان و کانادا بلند کرد، این دنیای وارونه را روی سر آنها خراب کرد و يك دنیای انسانی، يك حکومت انسانی را برقرار کرد. این چیزی به غیر از سوسیالیسم نیست.

۱۴ ژوئیه ۲۰۱۱

کردم که مورد استقبال گرم همه قرار گرفت و بارها به من میگفتند که تو از ته دل ما صحبت کردی. واقعا در این جامعه علیرغم اینکه میلیونها نفر مردم ضد ارتجاع مذهبی وجود دارند، اما هیچ حزب یا سازمانی نیست که با پرچم انسانیت در مقابل این توحش اسلامی و سیاستهای سود جویانه دولتهای غربی بایستد. مردم اروپا و خیلی از زنها، دختران و پسرانی که در خانواده‌های اسلامی بزرگ شده اند و تحت فشار هستند تشنه حرفهای ما هستند. آنها این حرفها را فقط از زبان ما اعضای

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اطلاعیه شماره ۱۱۶

زندان و دادگاه علیه فعالین کارگری

شاهرخ زمانی به زندان تبریز منتقل شد

روز چهارشنبه ۲۲ تیر شاهرخ زمانی، کارگر ساختمانی و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری بعد از گذراندن ۳۴ روز انفرادی، از اداره اطلاعات تبریز به زندان این شهر منتقل شد. شاهرخ زمانی، که بعد از گذشت یک هفته از بازداشت، برای اعتراض به بازداشت خود، دست به اعتصاب غذا زده بود، پس از انتقال به زندان تبریز، با درخواست دیگر زندانیان، به اعتصاب غذای خود پایان داد. به گفته خانواده این فعال کارگری، وی از نظر وضعیت جسمی در شرایط بدی قرار داشته و نیاز به مداوا و رسیدگی پزشکی دارد. شاهرخ زمانی، بنا به گزارش کمیته پیگیری روز ۱۷ خرداد در حالی که در حال مسافرت بود، در میانه ی راه تهران- تبریز توسط مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی از اتوبوس پیاده و دستگیر و زندانی شد.

یدالله قطبی در شعبه ۲ دادگاه جمهوری اسلامی محاکمه شد

روز چهارشنبه ۲۲ تیر یدالله قطبی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی در شعبه ۲ دادگاه انقلاب

جمهوری اسلامی در شهر سنندج دادگاهی شد. او چند روز قبل از مراسم اول ماه مه امسال به همراه سه تن دیگر از اعضای این کمیته به اداره اطلاعات احضار شد و پس از ۱۲ روز بازداشت با قرار وثیقه از اداره اطلاعات آزاد شدند.

پدرام نصراللهی محاکمه شد

روز سه شنبه ۲۱ تیر پدرام نصراللهی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به اتهام اجتماع وتبانی علیه نظام در شعبه ۲ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی توسط قاضی طیاری محاکمه شد. پدرام نصراللهی همچنین در تاریخ ۵ دی ۸۹ در منزل پدر حبیب الله لطیفی دستگیر ومدتی را در اداره اطلاعات سپری کرد و سپس با قرار وثیقه چهل میلیون تومانی از زندان آزاد شد.

وفا قادری سنندج محاکمه شد

روز ۲۱ تیر ساعت ده صبح وفا قادری از فعالین کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در شعبه ۲ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهر سنندج دادگاهی شد. وفا به همراه چند تن دیگر از اعضای کمیته و فعالین کارگری در تاریخ ۱۰

اردیبهشت ماه یعنی یک روز قبل از برگزاری مراسم اول مه در شهر سنندج اداره اطلاعات این شهر احضار و پس از چند روز با قرار وثیقه آزاد شد. وفا قادری همچنین ماه گذشته همراه با یازده نفر دیگر از فعالین کارگری به اتهام شرکت در گلگشت سال ۸۸ در دفاع از کارگران زندانی، محاکمه و همراه با صدیق سبحانی یکی دیگر از این کارگران به یک سال زندان محکوم شد که این محکومیت به پرداخت یک میلیون تومان جریمه نقدی تبدیل گردید.

به غیر از شاهرخ زمانی منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی از اعضای سندیکای شرکت واحد و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک در زندانند. تمامی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و فعالین سیاسی در تمامی عرصه های اجتماعی باید فوراً لغو شوند. تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری باید فوراً متوقف شود.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته برای آزادی کارگران زندانی
۲۳ تیر ۱۳۹۰، ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۱

تجمع کارگران نساجی مازندران در مقابل فرمانداری قائمشهر

نساجی مازندران چندین سال است که به وضع بحرانی در آمده و کارگران آن همواره با معضل دستمزدهای پرداخت نشده و خطر تعطیلی کارخانه روبرو بوده اند. کارگران نساجی مازندران بر خواسته های خود تاکید دارند.

اعتراضی به کارگران وعده شد که شنبه ۲۵ تیر از طریق نمایندگان کارگران به خواست آنها پاسخ داده خواهد شد. کارگران این کارخانه در همین رابطه بارها تجمع اعتراضی برپا کرده اند ولی علیرغم اینکه استاندار مازندران وعده داده بود که به خواست آنها رسیدگی شود، ولی تا کنون اقدامی نشده است.

روز ۲۲ تیر تعدادی از کارگران واحد نساجی مازندران به دلیل عدم دریافت ۱۳ ماه دستمزد خود اقدام به راهپیمایی از درب کارخانه تا فرمانداری قائمشهر نمودند. در این راهپیمایی کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند که در آن درخواست دستمزد پرداخت نشده خود تاکید داشتند. در نتیجه این حرکت

زندگی انسانی حق مسلم ماست

است. آینده از آن ماست.

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ نوامبر ۲۰۱۰ - ۵ آبان ۱۳۸۹

جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع

این شعار اعتراضات ما کارگران و معلمان است. این خواست قلبی همه ما مردم است. ما مصمیم انقلابیان را تا به زیر کشیدن کامل حکومت اسلامی سرمایه داران و آیت الله های مفت خور و رسیدن به اهداف انسانی مان تداوم بخشیم. ما انسانیم و حق بی چون و چرای خویش میدانیم در جامعه ای آزاد و مرفه و برابر زندگی کنیم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد



محمد جراحی



شاهرخ زمانی



بهنام ابراهیم زاده



ابراهیم مددی



منصور اسانلو



رضا شهابی

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است: <http://www.countmein-iran.com>

سوئد: Sweden, Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتونید با فواد روشن با شماره تلفن: ۰۷۰ ۸۲۷۱ ۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان: Germany, Rosa Mai, Konto.

583657502 Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا: Scotiabank, Canada, ICRC,

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند: Bank: RABOBANK, Darande hesab:

FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا: Bank of America,

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۲۷۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

بابک یزدی ۱۵۰ دلار

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران فولاد سازان کرج

روز ۲۱ تیر بیش از ۱۵۰ کارگر شرکت فولاد سازان کرج واقع در شهرک صنعتی صفا دشت که بخاطر عدم دریافت ۴ ماه دستمزد خود دست به اعتصاب زده بودند، با موفق شدن به دریافت طلبهایشان به اعتصاب خود خاتمه دادند. این اعتصاب از ۲۸ خرداد شروع شده و طی این مدت کارگران هر روز خود را با سرویس به محل کار می‌رساندند اما تولید را متوقف کرده و با اعتصابی متحد اعتراض خود را به پیش بردند. در این حرکت اعتراضی کارفرما بارها و بارها کارگران را مورد تهدید قرار داد، وعده و وعید داد، آنها را زیر فشار گذاشت که جمع‌ات اعتراضی برپا نکنند، اما کارگران همچنان به اعتراض خود ادامه دادند و از میان خود ۴ نماینده انتخاب کرده و اعتراض خود را به مراجع دولتی مختلف و ادارات کشاندند. بدنبال این اعتراضات متحد سرانجام کارگران شرکت فولادسازان کرج بعد از ۲۵ روز اعتصاب توانستند کارفرما را عقب زنند و طلبهایشان را نقد کنند.

شرکت فولاد سازان کرج سازنده انواع مخزنها و سازه‌های پتروشیمی و نفت است. سهامدار این شرکت فردی به نام مهدی زاده است. چندین سال است که این شرکت حالتی بحرانی پیدا کرده و به بهانه آن پرداخت دستمزد کارگران به تعویق افتاده است. این در حالیست که همواره تولید کارخانه جریان داشته است.

اعتراض کارگران نسوز آذر ذوب آهن اصفهان

بنابه خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، سه هفته قبل ۲۰۰ کارگر نسوز آذر که تولید کننده آجر هستند و به خاورمیانه نیز صادر میشود، در ذوب آهن اصفهان که در خطر اخراج بودند و هر کدام ۱۲ تا ۱۴ سال سابقه دارند با خواست قرارداد مستقیم دست به اعتصاب زدند. در ادامه این خبر آمده است که به این کارگران وعده داده شده است که به خواستشان پاسخ داده میشود. این خبر می‌افزاید: قبلا کارگران شاغل در بخش داخلی نسوز آذر نتوانستند قراردادهایشان را به صورت مستقیم دریافت کنند. همچنین در ادامه اعتراضاتی که در ذوب آهن بوده قرارداد ۱۲۰۰ کارگر در شرکت مبرآت ذوب آهن که کار آنها ساختن اسکله است و ۷۰۰

کارگر تابان نیرو توانسته‌اند با مبارزاتشان قراردادهای خود را بصورت مستقیم دریافت کنند.

اعتراض کارگران ۶ تن از کارگران اخراجی آزمایش مرودشت را به کار برگرداند

در خبرها آمده است که بدنبال اعتراضات یازده روزه کارگران در رابطه با حقوقهای معوقه و بازگشت به کار کارگران اخراجی از شرکت آزمایش همه ۶ کارگر اخراج شده به سر کار برگشتند و پیگیری پرونده این نفرت از دادگاه و قضائیه خارج گردید و از روز ۱۲ تیر به سر کار برگشتند. یکی از کارگران در این رابطه گفته است: که چهارشنبه اول تیرماه وقتی کارگران کارخانه آزمایش برای پیگیری ۶ ماه حقوقهای معوقه خود دست به تجمع زده بودند، مدیریت کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داده و ۶ نفر از کارگران معترض را به بهانه دامن زدن به اعتراضات در بین کارگران و ایجاد اغتشاش در کارخانه آزمایش، از کار اخراج کرده بودند. این امر با مخالفت جمعی همکاران و راه افتادن تحصن کارگران معترض در کارخانه ادامه پیدا کرد که نهایتا اعتراض و تحصن و اعتصاب یازده روزه کارگران با موفقیت به نتیجه رسید و تمامی ۶ کارگر اخراج شده به سر کار برگشتند. کارگران گفته‌اند که اگرچه به خواسته کارگران در رابطه با بازنشستگی و حقوقهای معوقه هنوز پاسخ کامل داده نشده، اما اگر این حقوق بر اساس قولهایی که داده شده پرداخت نگردد، مجددا کارگران دست به تجمع و اعتراض خواهند زد.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خرمشهر

کارگران نواحی مختلف شهرداری خرمشهر و بویژه کارگران فضای سبز و کارگران آتش نشانی روز دوشنبه ۱۳ تیر بخاطر اینکه حق اضافه کاری و ۴ ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده بودند دست به تجمع اعتراضی مقابل فرمانداری این شهر زدند. در ادامه این حرکت اعتراضی با وعده مقامات فرمانداری، کارگران موقتا به تجمع خود پایان دادند. اما هیچ پاسخی به آنان داده نشد و از تمام آن وعده‌ها تنها حقوق پایه دوماه بخشی از کارگران شهرداری مرکزی پرداخت کردید. شهرداری خرمشهر ۱۰۰۰ کارگر دارد که عموما حقوق معوقه دارند.

اعتصاب کارکنان شرکت چاپ و انتشارات وابسته به وزارت ارشاد ادامه دارد

بنا بر اخبار منتشر شده بیش از ۸۰۰ نفر از کارگران شرکت چاپ و انتشارات وابسته به وزارت ارشاد در اعتراض به افزایش ساعت کار بدون حقوق و حقوق معوقه و سایر مطالبات خود از هفتم تیرماه تا کنون در اعتصاب به سر می‌برند. کارگران اعلام داشته‌اند که تا احقاق حقوق خود اعتصاب خود را ادامه خواهند داد. شرکت چاپ و انتشارات وزارت ارشاد در جاده مخصوص کرج مقابل کارخانه شیشه مینا واقع میباشد.

کارگران مجتمع گوشت فارس دست به اعتراض زد

در خبرهای این هفته آمده است که کارگران مجتمع گوشت فارس که ۱۸ ماه حقوق معوقه خود را طلب دارند و وضعیت بازگشت به کار آنها نیز تعیین تکلیف نشده در اعتراض به سر می‌برند و خواهان حقوق خود و بازگشت به کار میباشند. یکی از کارگران این شرکت گفته است هدف مقامات حل مشکل کارگران نیست. آنها فقط با وعده و وعیدهایی که میدهند می‌خواهند زمان بیشتری از ما بگیرند و کارگران را با گذشت زمان خسته و منفعل کنند. اما این سیاست لورفته‌ای است و ما کارگران از حق طلبی خود خسته نمیشویم. ما چاره‌ای جز پیگیری و اعتراض نداریم. به همین خاطر اگر این بار هم وعده‌های مقامات جهاد کشاورزی به کارگران مجتمع گوشت حل نشود، ما با زن و بچه‌ایمان تجمع بعدی را شکل خواهیم داد و اگر باز هم جوابی ندهند لاجرم برای ادامه اعتراضات و پیگیری حقوقمان و کارمان به تهران خواهیم رفت. بر اساس همین گزارش گروهی از کارگران مجتمع گوشت در هفته گذشته سه روز متوالی در تهران تجمع اعتراضی داشته و در نهایت به آنها وعده حل و فصل مشکلاتشان داده میشود. در خبر دیگری آمده است که روز یکشنبه ۱۹ تیر دهها نفر از کارگران مجتمع گوشت فارس در مقابل اداره جهاد کشاورزی رژیم در شهر شیراز تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران معترض که از شهر مرودشت به شیراز آمده بودند در تجمع اعتراضی خود خواستار پرداخت ۱۸ ماه دستمزدهای معوقه خود توسط مقامات رژیم شدند.

بدون شرح:

توقف فروش جرتقییل به ایران به دلیل استفاده در اعدام



دوپیچه وله: روزنامه نیویورک تایمز خبر از توقف فروش جرتقییل‌های ساخت شرکت "تادانو" به ایران می‌دهد. به نقل از این روزنامه شرکت تادانو از روز سه شنبه (۱۲ ژوئیه / ۲۱ تیر) معامله با ایران را متوقف کرده است. این شرکت اعلام کرده است گزارش‌های تصویری مختلفی دریافت کرده که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برای اعدام در ملاعام از جرتقییل‌های تادانو استفاده کرده است. گزارش‌های تصویری که به شرکت فرستاده شدند از قرار توسط کمپینی به نام "متحد علیه ایران هسته‌ای" تهیه شدند. رئیس این کمپین، مارک والاس چند روز پیشتر در مقاله‌ای در روزنامه "لس آنجلس تایمز" خاطر نشان کرده بود که شرکت تادانو از معدود فروشندگان جرتقییل به ایران است و از این جرتقییل‌ها برای اعدام در ملاعام استفاده می‌شود. کمپین "متحد علیه ایران هسته‌ای" نام هشت شرکت بین‌المللی فروشنده جرتقییل به ایران را همراه تصاویر اعدام در ملاعام در ایران منتشر کرده است. این کمپین موفق شد سال ۲۰۱۰ شرکت ترکس، دیگر سازنده بین‌المللی جرتقییل را که در تکراس آمریکا مستقر است، متقاعد به توقف فروش جرتقییل به ایران کند. *

فرانکفورت: تظاهرات به مناسبت ۱۸ تیر



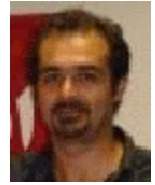
هامبورگ: تظاهرات به مناسبت ۱۸ تیر



همچنین "حسین فدایی" و "علیرضا زاکانی" بنمایندگی از جمعیت ایثارگران و رهپویان انقلاب اسلامی و "آقا تهرانی" و "صفار هرنندی"، نمایندگان دولت، بچشم می خوردند. نقطه اتحاد تمام اینها فعلا این است که تلاش می کنند برائت خود را از "جریان انحرافی" و جریانیه که بزعم اینها درصد تضعیف قدرت خاصه ای است، اعلام کرده و دیگر - بقول محمدرضا باهنر - حاضر به پذیرش و دخالت چیزی بنام تشکیلات احمدی نژاد یا "رایحه خوش خدمت" در آینده سیاسی ایران نیستند. می خواهند نگرانی از حضور رقیب اصلاح طلب و دغدغه حضور نمایندگان "جریان انحرافی" را با هم حل و فصل کنند و باینحال، گاه یکی از میان خودشان همچون "محسن غرویانی"، از شاگردان سابق آیت الله مصباح، اعتراف می کند که "شرایط سیاسی و اجتماعی بسیار تأثیرگذارتر از هر مدل سیاسی برای انتخابات آینده است!" این جانیان در تناقضی عجیب گرفتار آمده اند. از یکسو می خواهند بقول خودشان "وحدتی مثال زدنی" ایجاد کنند و از جانب دیگر - باید گفت از ترس و وحشت است - که اینقدر دایره خودپهپایشان را هم هر چه بیشتر محدود کرده اند! می دانند که مدتهاست زمین زیر پایشان داغ است و حتی در چارچوب خودی های جمهوری اسلامی هم دیگر به کسی اعتماد و اطمینانی وجود ندارد!

جمهوری اسلامی باز هم درصدد است برای عده ای از برگزیدگان خود از شورای نگهبان صلاحیت بگیرد. نمایندگان در درون خود حکومت انتخاب شده اند و در درون خود حکومت تأیید صلاحیت می گردند و در جریان این پروسه هم مدام چرتکه می اندازند، اینطرف و آنطرف می زنند و در نهایت تعدادی را از میان کسانی که بجلو رانده اند، کسانی که دیدگاههایشان مثل احمدی نژاد نزدیک به مقام ولایت باشد، از صندوق ها بیرون می آورند. "مضحکه انتخابات!" هیچ عنوانی جز این نمی تواند این پروسه مسخره را در کاست قدرت جمهوری اسلامی توضیح دهد. تمام این تلاش ها و ادعاها با فریبکاری و تناقض همراهند. تناقض و بحران سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، جزو لاینفک این حکومت از ابتدای روی کار

نمایش انتخاباتی، اینبار در بطن انقلاب!



هادی وقفی

حکومت اسلامی باز هم سرگرم برنامه ریزی و سازماندهی نمایش انتخاباتی دیگری است و اینبار البته در شرایطی بسیار متفاوت از تمام دوره هایی که باصطلاح انتخابات برگزار کرده است. شرایطی که از هم اکنون نشاندهنده همان سیاست سی ساله حاکمین مذهبی در سرکوب، به اختناق کشاندن جامعه و تحمیل فقر و بیحقوقی به مردم است و انتخابات کذایی اش نیز کاملاً و بطرز بی شرمانه ای بسته و متمرکز در میان دار و دسته ای است که در هر حال، صداقت خود را در خوش خدمتی به بزرگان نظام و تعهد خود را در دفاع از جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای به اثبات رسانده اند. این تعداد اینبار متشکل از دو گروه اند. یکی "جامعتین" که در میان آنها اشخاصی مثل "مهدی کنی"، آیت الله یزدی و احتمالاً احمد جنتی یا یکی دیگر از ریش سفیدان نظام حضور دارند و دیگری "اصولگرایان تحول خواه" که ظاهراً گروه های مختلف اصولگرا یا شاید بتوان گفت محافظه کاران سابق را دربر می گیرند و در تلاشند کمیته ۱۵ نفره ای را با هدف ایجاد اتحاد و جلوگیری از ورود "جریان انحرافی" و حامیان احمدی نژاد به مجلس آینده تشکیل دهند. کمیته ای متشکل از نمایندگان جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جبهه پیروان خط امام و رهبری، جبهه ایثارگران و رهپویان انقلاب اسلامی و نیز "رایحه خوش خدمت"، همان تشکیلاتی که احمدی نژاد را روی کار آورد. در میان جریانهای "اصولگرایان تحول خواه" که نمایندگانشان در این کمیته حضور خواهند داشت، تاکنون نامهای علی لاریجانی و قالیباف، شهردار تهران، بعنوان نمایندگان مستقل، "محمدرضا باهنر" و "منوچهر متکی" بنمایندگی از جبهه پیروان خط امام و رهبری و

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

۱۱ ژوئیه روز جهانی علیه سنگسار ...

از صفحه ۱

میکرد. با یکی از هم سلولهای مریم ایوبی که بعدها به آلمان پناهنده شد، گفتگو کردم و او برایم گفت که مریم مهربان و ساده و آرام بود. او را دستگیر کردند و در روزنامه های آلمان نوشتند که همسرش را با همدمتی یک مرد به قتل رسانده و با این مرد رابطه جنسی خارج از ازدواج داشته است. همسر مریم از مقامات حکومت اسلامی بود!

مریم کارمند شرکت نفت بود و به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج که امری کاملاً خصوصی است، باید سنگسار میشد.

وقتی یک زن دست روی همسرش بلند کند، وقتی یک زن از حقش دفاع کند، وقتی یک زن حجابش را رعایت نکند و در مقابل سیستم و قوانین اسلامی بایستد، به اشد مجازات محکوم میشود. اینجا حکومت اسلامی ایران است!

مریم به دلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج، به اتهام "خیانت" به همسرش و یا خیانت به "ناموس مردان"، به اشد مجازات محکوم شد، برای زهر چشم گرفتن از زنان و کل جامعه او را ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۱ در حالیکه از ترس بیهوش شده بود با برانکارد به محل اجرای مراسم سنگسار آورده و برادران پاسدار با پرتاب سنگ او را زجر کش کردند. مردی که متهم به قتل همسر مریم بود، اعدام شد.

این واقعه در دوره حاکمیت "قهرمان" اصلاح طلبی آقای خاتمی اتفاق افتاد. در همان سال ۲۰۰۱ ما کمیته بین المللی علیه سنگسار را بنیان گذاشتیم و با کمپین نجات مریم ایوبی، این کمیته متولد شد. کمیته ای که با درد و خون متولد شد. از سراسر دنیا به حکم جنایتکارانه سنگسار مریم، مادر دو کودک ۶ و ۸ ساله، مادر دو پسر زیبا و کوچک، اعتراضات زیادی شد. در یک دانشگاه در ترکیه ۳۰۰ دانشجوی یک نامه اعتراضی برای خاتمی و شرکا فرستادند و معاون پارلمان آلمان خانم بله س، نامه اعتراضی شدیدالحنی برای سران حکومت اسلامی فرستاد و اجرای حکم یکبار به تعویق افتاد. یک روز سرد پائیزی، در محل کارم در شهر

کلن آلمان، تلفنم به صدا درآمد و از آنسوی خط، زنی گفت: از دفتر آقای خاتمی با شما تماس میگیرم... از من سوال کرد: خانم مینا احدی هستید؟ ... بله بفرمائید... و صدای زن جوان از آنسوی خط عصبی تر شده و به من گفت: خانم شما وکیل زنان ایران هستید؟ زیاد متوجه نشدم منظورش چیست، پرسیدم منظوراتان چیست؟ منظورش این بود که وکیل مریم ایوبی هستید که در دنیا سر و صدا میکنید به شما چه که در ایران سنگسار هست، ما خودمان میخواهیم سنگسار باشیم. پاسخش را میدهم. بله من وکیل زنان ایران هستم، بویژه وکیل زنان محکوم به سنگسار، من نمیخواهم بگذارم زن را تا سینه در خاک فرو کرده و بیشرمانه سنگسار کنید این جنایت است. به شما چه که کسی رابطه خارج از ازدواج دارد یانه.

میگوید: فکر نکنید که من بیسودم. من در آلمان هم بوده ام و میدانم در اروپا چه خبر است. من متاهلم ولی خودم میخواهم اگر به همسر خیانت کردم مجازات شوم... پاسخ میدهم شما هر کاری میخواهید با خودتان بکنید مختارید ولی اجازه ندارید مردم را شکنجه و آزار دهید و این سادیسم را قانون اعلام کنید. به رهبرتان و به خاتمی و به همه اطرافیان بگوئید ما نمیگذاریم این وحشیگری را ادامه دهید... گوشی را میگذارم ...

ساعت چهار بعد از ظهر روز ۱۱ ژوئیه در لندن هستم، در منزل یکی از دوستانم در آپشپخانه نشسته و قهوه میخورم. خبر را از رادیو اسرائیل می شنوم. امروز صبح یک زن به اسم مریم ایوبی در زندان اوین سنگسار شد... با صدای بلند گریه میکنم. چطور ممکنست؟؟؟. یاد قیافه رهبران اکثریت و حزب توده و اصلاح طلبان و برخی فعالین سیاسی در خارج از کشور می افتم که برای خاتمی سینه چاک میکنند و در مقابل سفارتخانه های رژیم برای رای دادن به او صف میکشند و امروز نمیدانم چرا قیافه مسیح علی نژاد در ذهنم نقش بسته و بعضاً فکر میکنم شاید او بود با من پشت تلفن، جر و بحث میکرد و از اصلاحات در ایران

و فراگیری مدارا در دوره خاتمی دفاع میکرد!!!

برلین - کنفرانس علیه سنگسار ۱۰ دسامبر ۲۰۰۲

به دعوت بنیاد هاینریش بل، در برلین در کنفرانسی علیه سنگسار شرکت میکنم. نمایندگان عفو بین الملل، سازمان جهانی علیه شکنجه، سازمان تره ده فام و نهادهای دیگری در آنجا حضور دارند. بحث روز جهانی علیه سنگسار در آنجا مطرح میشود. چه روزی باید روز جهانی علیه سنگسار باشد. روز نجات آسمه لاوال از سنگسار در نیجریه، روز سنگسار یک زن در افغانستان، روز اعلام حکومت اسلامی در ایران... اینها پیشنهادهایی است که مطرح است.

پیشنهاد من روزی است که معظوف به ایران باشد چرا که بیشترین سنگسارها در این دوره در ایران انجام شده، و بسیار مهم است روزی را انتخاب کنیم که یک زن سنگسار شده باشد چرا که این طوری عمق وحشیگری و بربریتی را نشان میدهم که متأسفانه تعداد زیادی را قربانی کرده است. من پیشنهاد ۱۱ ژوئیه روز سنگسار شدن مریم ایوبی در ایران و در دوره اصلاح طلبان یعنی ریاست جمهوری خاتمی را میدهم. و این روز تصویب میشود. امید ما اینست که در سالهای آینده و در آینده دور، همواره در این روز کارخانه ها یک دقیقه از حرکت بیاستند و ساعتها یک دقیقه تیک تیک نکنند و همه مردم دنیا یک دقیقه به یاد قربانیان سنگسار سکوت کنند و یاد این عزیزان را که هیچ جرمی نداشته اند، جز اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج که امری است کاملاً شخصی چنین بیرحمانه به قتل رسیده اند.

۱۱ ژوئیه ۲۰۱۱ دنیا به پا خاست و اعلام کرد، نه به سنگسار در همه جا از طرف نهاد ایران سولیدارتی، قانون برابر برای همه و کمیته بین المللی علیه سنگسار سه هفته قبل فراخوان داده و از دنیا دعوت کردیم به سنگسارها در روز ۱۱ ژوئیه روز جهانی علیه سنگسار اعتراض کنند. یک روز بعد از انتشار علنی این

فراخوان ریچارد داوکینز در سایت خود از این فراخوان دفاع کرد و گفت: مریم نمازی یکی از فراخوان دهندگان این حرکت جهانی است. مریم یک زن فوق العاده و یک چهره مهم دفاع از حقوق زنان تحت ستم در کشورهای اسلام زده است.

فراخوان ما دو روز بعد در واشنگتن پست چاپ شد. و بتدریج موجی از حمایت و همبستگی به این فراخوان جلب شد.

در شهرهای پاریس، لندن، فرانکفورت، کلن، ونکوور، برلین، اوتاوا، مالمو، واشنگتن و... میتینگهایی برپا شد. در شهر سقز هزار عدد اطلاعیه روز جهانی علیه سنگسار پخش شد.

دولت انگلیس اعلام کرد که خلیل اللهی دادستان سکینه محمدی آشتیانی در لیست تحریم شدگان از سوی دولت انگلیس است. مالک اژدر شریفی دادستان استان آذربایجان شرقی با عجله و دستپاچه گفت. سکینه مرخصی رفته و در مراسم عزاداری مادرش شرکت کرده و حالش خوب است و از امکانات خوبی در زندان برخوردار است... یکبار دیگر توجه ها به سکینه و سنگسارها و به جنایات حکومت اسلامی ایران جلب شد. یکبار دیگر موجی از همبستگی نثار سکینه و موجی از نفرت نثار سران حکومت اسلامی شد.

پیامهای همبستگی از جمله از روسل بلاکفورد نویسنده و فیلسوف، هارتموت کراوس مارکسیست آلمانی، آن برولس نماینده پارلمان اروپا، سونیا اگریکس رئیس جامعه بین المللی آتیست ها که نمایندگی ۱۰۰ سازمان آتیست در چهل کشور جهان را میکند، از پروفوسور "اودو شوکلنکس" از اونتاریو استاد کرسی پژوهشی فلسفه، هل مرت بریسک نویسنده، سازمان بزرگ ابتکار فمینیستی اروپا، اشتفن لائو از موسسه سلطنتی فلسفه، جرج برد هیت معاون انجمن همجنسگرایان

اومانیست انگلیس، مهوش علاسوندی مادر محمد و عبدالله فتحی، سیروس نورسته کارگردان فیلم سنگسار ثریا میم، آنتونی توماس کارگردان فیلم برای ندا، نهاد آتیستها و اومانیستها از امریکا، فرد اواردمیر ملی در نهاد ائتلاف بین المللی خردمندان، مگ هیکسن فعال مدافع حقوق بشر، اوپلیا بنسون سردبیر نشریه اومانیستها و تعداد دیگری از شخصیت های سرشناس بین المللی بود.

استقبال از این روز بسیار زیاد بود چرا که از یکسال قبل توجه ها در دنیا به سوی ایران و سکینه محمدی آشتیانی و سنگسار جلب شده است. عکس سکینه امروز در دنیا نماد اعتراض به سنگسار است و در دفاع از سکینه میلیونها نفر طومار اعتراضی امضا کرده و در صدها شهر اعتراض و تظاهرات سازمان یافته است.

برشانه های کمپین گسترده و موفق امسال در اعتراض به حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی، امسال روز جهانی علیه سنگسار را با شکوه تر از همیشه برگزار کردیم. باید بگوئیم این روز را در همه جا تثبیت بکنیم. آیندگان باید بدانند که ما متحدانه به پا خاسته و نقطه پایانی به این وحشیگری و بربریت اسلامی گذاشتیم. روز جهانی علیه سنگسار سبب اعتراض ما به این جنایت بشیرمانه بود.

بدین وسیله از همه عزیزانی که در اقصی نقاط جهان در این روز برنامه های اعتراضی سازمان داده، پیام همبستگی داده و یا پوستر و پلاکارده تهیه کرده و یا به یاد سکینه آهنگ اجرا کرده و برای نجات سکینه و همه محکومین به سنگسار و برای ممنوعیت سنگسار در همه جا تلاش کردند، صمیمانه تشکر میکنم.

مینا احدی

۱۴ ژوئیه ۲۰۱۱

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

زنده باد سوسیالیسم!

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۶

آخرین اخبار در مورد سکینه محمدی آشتیانی و هوتن کیان

طبق اخباری که از وضعیت سکینه و هوتن یک هفته قبل به ما رسیده، سکینه کماکان در زندان مرکزی تبریز است و او و خانواده اش و از جمله فرزندش سجاد اجازه هیچ گونه تماس گرفتن با رسانه های بین المللی را ندارند. حکومت اسلامی ایران با دستگیر کردن سجاد و تحت فشار گذاشتن سکینه و سجاد آنها را وادار کرد در یک فیلم ساختگی بازی کنند و هر دو اقرار کنند که سکینه در قتل همسرش دست داشته است. این بازی در فیلم با دادن قول آزادی سکینه و سجاد همراه بوده و این دو فکر میکردند که بعد از بازی در فیلم پرس

کامل بسر میبرد و پرونده او هم هیچ تغییری نکرده است و سیر قانونی خود را طی میکند! او در مورد خبری که ما پخش کرده بودیم اعلام کرد که این خبر سیاسی و دروغ است و پرونده سکینه همچون هزاران پرونده دیگر سیر طبیعی خود را طی میکند. واقعیت اینست که سکینه از طرف حکومت اسلامی ایران به گروگان گرفته شده است. حکومت اسلامی ایران میخواهد با خوابیدن سر و صداها، سکینه را " مجازات " کند. خطر سنگسار کماکان بر بالای سر سکینه است.

هوتن کیان وکیل سکینه [۱] به چهار سال و نیم زندان محکوم شده است. گفته میشود که هوتن ۲۰ کیلو وزن کم کرده است. او را بشدت آزار داده و شکنجه کرده اند. هوتن بیماری قند

دارد و فشار خون بالایی دارد. در آغاز گفتند که هوتن را به ۱۱ سال زندان محکوم کرده اند. سپس اعلام کردند که او را به دلیل داشتن دو شناسنامه و فعالیتهای چپگرایانه به اعدام محکوم کرده اند و بعد از اینکه هوتن نامه ای به بیرون زندان فرستاد و از همگان درخواست کرد به او کمک کنند، اعتراضات گسترده ای به این حکم شد و آخرین خبر که یک هفته قبل به ما رسیده اینست که در دادگاهی نهایی در زندان تبریز هوتن را به چهار سال و نیم زندان محکوم کرده اند.

ما یکبار دیگر از دنیا میخواهیم به این احکام ظالمانه اعتراض کنیم. سنگسار وحشیگری مطلق است و باید در همه جا فوراً ممنوع شود. هوتن کیان وکیل سکینه باید فوراً آزاد شود.

کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی، دنیا را در مقابل جانبان حاکم بر ایران قرار داد. بشریت متمدن به پا خاست و گفت کافی است و نمیگذاریم کسی را به هیچ بهانه ای در هیچ جای دنیا سنگسار کنند.

امروز عکس سکینه به یک سمبل اعتراض علیه سنگسار و یک سمبل اعتراض علیه حکومت اسلامی ایران تبدیل شده است. باید به پا خاست و روز ۱۱ جولای را به روز اعتراض علیه سنگسار تبدیل کرد.

کمپته بین المللی علیه سنگسار ایران سولیدارتی
یک قانون برای همه
۸ ژوئیه ۲۰۱۱

عکس هایی از اکسیونهای ۱۱ ژوئیه روز جهانی علیه سنگسار در پاریس، لندن، مالمو، اتاوا، فرانکفورت، برلین، کلن، بلژیک، ونکوور، واشنگتن





یک هفته تور سخنرانی های مریم نمازی در استرالیا

استرالیا ساعت شش و نیم عصر
تحت عنوان دادگاههای شریعه در
جوامع سکولار

Melbourne Free
University's open
discussion space at
Dexter Bar, Clifton Hill,
Melbourne

۲۵ اوت

سخنرانی در دانشگاه شرق
سیدنی ساعت ۶ تا ۸ عصر در مورد
قانون شریعه
آدرس:

University of
Western Sydney's Open
Forum. Building EE
room G.03 Parramatta
South campus UWS.
Convenor: Sev
Ozdowski, Director,
Equity and Diversity,
University of Western
Sydney

۲۸ اوت

یکشنبه ساعت ۴ عصر در
سیدنی، گفتگو با اومانیستها
که در خانه اومانیستها انجام خواهد
گرفت. اطلاعات بیشتر بعدا داده
میشود.

Humanist House in
Chippendale

۲۴ اوت

سخنرانی در در دانشگاه ملبورن

المللی علیه سنگسار

کلن - ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۱

نبرید.

مینا احدی سخنگوی کمیته بین

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شها دانشفر

همهانگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



شیپگل و رسانه های برزیلی و...
دهها مصاحبه با ما کردند، اخبار
آنرا جهانی کردند، رادیو فارسی زبان
فردا ، و دویچه وله و... با من
مصاحبه های کوتاهی ترتیب دادند و
پرسیدند، آیا این کمپین ربطی به
وزارت اطلاعات حکومت اسلامی
دارد آنگونه که شیرین عبادی ادعا
میکند؟!

سوال اینست که آیا در پلاتفرم
این رسانه ها دفاع از حکومت
اسلامی و یا دقیقتر بگویم بخشی
از این حکومت به اسم اصلاح طلبان
حکومتی حک شده است که پخش
گوشه ای از مبارزات برابری طلبانه و
انسانی نیروهای چپ و انقلابی علیه
این حکومت به سختی امکان پذیر
است. چرا این رسانه ها جولانگاه ،
افرادی شده اند که قبلا سازنده سپاه
پاسداران بوده و یا با پونز چادر و
حجاب را بر سر زنان "وصل"
میکردند و امروز اصلاح طلب شده و
ژست دفاع از حقوق بشر میگیرند و
کمان از کثافتی به اسم حکومت
اسلامی البته این بار کمی بزرگ شده

و حکومت اسلامی اصلاح شده و رام
دفاع میکنند. سوال من از دست
اندرکاران و روسای این موسسه های
خبری به اصطلاح بیطرف اینست چه
خبر است ، این اخبار را نمی شنوید،
یا گوشهای خود را محکم گرفته اید
تا مبادا گوشه ای از فعالیتهای چپها
و کمونیستها و کسانی را که همواره
علیه حکومت اسلامی بوده و
هستند، را منعکس کنید.

اقلا به رسانه های بین المللی
همچون گاردین و اشپینگل و
واشنگتن پست و جاکارتا پست نگاه
کنید. دادن بلندگو به چهره های
شناخته شده همواره مدافع حکومت
اسلامی و یا اصلاح طلبان حکومتی
آبرویی برای شما باقی نگذاشته و
نمیگذارد. مردم ایران و جوانان
معترض و ضد حکومت اسلامی و
بویژه زنان ایران و همه کسانی که
قربانی سنگسار و اعدام و جنایات
این حکومت فاشیست اسلامی شده
اند، انتظار سیاست دیگری از شما
دارند. بیش از این آبروی خود را

نامه سرگشاده مینا احدی به رسانه های فارسی زبان آیا تعهد داده اید همیشه بلندگوی اصلاح طلبان حکومتی باشید؟

بین المللی، سیروس نورسته
کارگردان فیلم سنگسار ثریا، و یا
سازمانهایی نظیر ائتلاف جهانی
آتیست ها و سازمان ابتکار
فمینیستی و... بود.

سازمان عفو بین الملل، روز ۱۰
ژوئیه با ارسال یک نامه به ما گفت که
به مناسبت این روز یک بیانیه در
مورد سکینه محمدی آشتیانی داده و
از حرکت جهانی ما دفاع کرد. در
شهرهای پاریس، لندن، فرانکفورت،
ونکوور، اوتاوا، کلن ، مالمو و...
پیکت های همبستگی و میتینگ و
تظاهرات برگزار شد و رسانه های بین
المللی از جمله واشنگتن پست و
جاکارتا پست و تعداد دیگری این
برنامه را پوشش خبری دادند. رسانه
های فارسی زبان که طبعاً باید بیش
از بقیه این اخبار را منعکس
میکردند چرا که موضوع مریم ایوبی
و یا سکینه محمدی آشتیانی و
سنگسار موضوعی بسیار مربوط با
ایران است، در این مورد نیز همانند
موارد بسیاری دیگر که قبلاً اتفاق
افتاده بود، سکوت اختیار کردند.

بی بی سی بخش ازبکستان با
مریم نمازی در این مورد مصاحبه
کرد که لینک آنرا اینجا ملاحظه
میکنید .

[http://www.bbc.co.uk/
uzbek/
world/2011/07/110711_
stoning.shtml](http://www.bbc.co.uk/uzbek/world/2011/07/110711_stoning.shtml)

سوال من مستقیماً از مسئولین
رسانه هایی همچون بی بی سی،
رادیو فردا، صدای آمریکا، رادیو
فرانسه و یا گردانندگان برنامه
پارازیت و... که ظاهراً مدعی
هستند مدرن و "فراجناحی" رفتار
میکند ، اینست چرا این اخبار را
نمی شنوید و چرا در مورد این وقایع
لام تا کام حرفی نمی زنید. نمی شنوید
و یا پنبه در گوش کرده اید؟

تجربه من در کمپین بزرگ
سکینه محمدی آشتیانی و در طول
یکسال فعالیت گسترده و دفاع جانانه
میلیونها نفر از سکینه، با این رسانه
ها تقریباً شبیه امروز بود. بعد از
اینکه گاردین و سی ان ان و اشترن

نامه سرگشاده مینا احدی به
رسانه های فارسی زبان از جمله بی
بی سی فارسی، رادیو فردا، رادیو
دویچه وله ، رادیو فرانسه و صدای
امریکا و دست اندرکاران برنامه
پارازیت و

پنبه در گوش رسانه های فارسی زبان در مورد فعالیت نیروهای چپ و سرنگونی طلب

دوشنبه این هفته روز جهانی
علیه سنگسار بود. سنگسار یک
پدیده قرون وسطایی و وحشتناک است
که متأسفانه در ایران و در طول سی و
دو سال حاکمیت فاشیسم اسلامی در
ایران، صدها نفر را قربانی کرده
است. دو سال بعد از سنگسار شدن
مریم ایوبی زن ۳۱ ساله و مادر دو
کودک ۶ و ۸ ساله در زندان اوین در
دوره حاکمیت خاتمی ، من پیشنهاد
به رسمیت شناخته شدن روز ۱۱
ژوئیه یعنی روز سنگسار شدن مریم
ایوبی بعنوان روز جهانی علیه
سنگسار را دادم. این پیشنهاد از
سوی نهادهای متعدد حقوق بشری به
رسمیت شناخته شد و امسال در
سراسر جهان به فراخوان کمیته بین
المللی علیه سنگسار، نهاد ایران
سولیدارتی و یک قانون برای همه، و
در دفاع از سکینه محمدی آشتیانی
، برنامه های متعددی در دنیا برگزار
شد. فراخوان دهندگان برنامه های
امسال برای ۱۱ ژوئیه یعنی روز
جهانی علیه سنگسار، مریم نمازی ،
پتی دویینتا و من بودیم. مجموعه
اخبار و اطلاعات در مورد این روز
در سایتهای زیر قابل دسترس است:

www.rowzane.com

www.maryamnamazie.com

[http://
stopstoningnow.com](http://stopstoningnow.com)

onelawforall@gmail.com

www.iransolidarity.org.uk

از جمله مدافعین حرکت جهانی
امسال علیه سنگسار در روز جهانی
علیه سنگسار، ریچارد داوکینز،
شخصیت آتیست و بسیار سرشناس

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!